



هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی

صاحب امتیاز: بتول‌هاشمی معصومی

مدیرمسئول: ابرالقاسم محمودآبادی

دریافت سوژه و آگهی:

مصطفی کریمی ۰۹۱۳۳۴۷۵۱۹۱

چاپ: مهدوی کرمان

فرهنگ، پادگان نیست

عصر ایران: امیر صدرا صیام- مصوبه تازه مجلس درباره فعالیت‌های فرهنگی و هنری، بیش از آنکه پاسخی به این پرسش‌ها باشد، نشانه نوعی تغییر در شیوه مواجهه با فرهنگ است؛ تغییری از «مدیریت فرهنگی» به «ظارت امنیتی بر فرهنگ». در این مصوبه، از محرومیت دائمی از تولید و همکاری در آثار هنری سخن گفته شده و مفاهیمی چون «چهره سیاه از ایران»، «فرهنگ ضد اسلامی» و فعالیت تحت هدایت یا آموزش نهادهای بیگانه، در کنار مجازات‌های سنگین قرار گرفته‌اند.

بحث بر سر این نیست که آیا نفوذ خارجی وجود دارد یا نه. طبیعی است که هر کشوری نسبت به دخالت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه حساس باشد و با جاسوسی و عملیات سازمان‌یافته مقابله کند. مساله از جایی آغاز می‌شود که «فرهنگ» در همان دستگاه مفهومی «امنیت» تعریف شود و هنرمند بالقوه نه به‌عنوان یک شهروند خلاق، بلکه به‌عنوان یک مظنون فرهنگی دیده شود. فرهنگ با دستورالعمل ساخته نمی‌شود.

هنر با ترس تولید نمی‌شود. فیلمساز وقتی پشت دوربین می‌ایستد، نمی‌تواند مثل یک کارمند اداری از خود بپرسد کدام قاب ممکن است در آینده «چهره سیاه از کشور» تلقی شود. نویسنده نمی‌تواند هر جمله را پیشاپیش در دادگاه احتمالات حقوقی محاکمه کند. موسیقیدان نمی‌تواند پیش از ساختن اثر، تمام نشانه‌های ممکن برای «برداشت نامطلوب» را حذف کند. اگر چنین شود، نتیجه‌اش فرهنگ نیست؛ محصولی است که از صافی ترس عبور کرده است. و فرهنگ عبور کرده از صافی ترس، دیر یا زود بی‌جان می‌شود.

مشکل دیگر، مفاهیم کش‌دار و تفسیرپذیر است. «چهره سیاه از ایران» دقیقاً یعنی چه؟ آیا روایت فقر، اعتیاد، خشونت، تبعیض، فساد یا مهاجرت، سیاه‌نمایی است؟ آیا هنرمند موظف است فقط نیمه روشن جامعه را نشان دهد؟ اگر چنین باشد، تکلیف ادبیات انتقادی و سبندمای اجتماعی چه می‌شود؟ بسیاری از مهم‌ترین آثار هنری جهان اساساً از دل همین مواجهه با تاریکی‌های جامعه متولد شده‌اند. کشوری که از دیدن زخم‌های خودش می‌ترسد، الزاماً کشور سالم‌تری نیست؛ ممکن است فقط

آینه‌هایش را شکسته باشد. از سوی دیگر، محرومیت «دائم» از فعالیت هنری، مجازاتی بسیار سنگین و از جنس حذف انسان از حرفه و هویت اجتماعی اوست. یک هنرمند فقط شغل ندارد؛ زیست هنری دارد. وقتی گفته می‌شود فردی برای همیشه از تولید یا تهیه اثر هنری محروم شود، در واقع درباره حذف

نشانی: سیرجان، بلوار دکتر صادقی روبروی

داروخانه آریا

تلفن: ۴۲۲۳۱۳۳۵

سایت اینترنتی: www.sokhanetazeh.com

پست الکترونیکی: sokhan.tazeh@gmail.com

اینستاگرام: Sokhan_Tazeh



ایران فدای لبنان؟!

صدאו سیما یا کارخانه مهممل بافی؟

سایت رویداد ۲۴ نوشت: روز گذشته ریحانه قاسمی‌زاده، یکی از مجریان صداو سیما رو به دوربین تلویزیون گفت «جنوب ایران فدای جنوب لبنان!» ماجرا ظاهراً از تحلیل واکنش بخشی از مردم پس از انتشار خبر حمله آمریکا آغاز شده است. مجری می‌گوید جنوب ایران باید فدای جنوب لبنان شود، چون بخشی از مردم ایران که این روزها نگران حملات دشمن به جنوب کشورند، در روز آغازین حمله آمریکا به ایران، هلهله سردادند. مردمی که خانه، شهر، جان، امنیت و معیشت‌شان زیر فشار جنگ قرار گرفته، چگونه قرار است از رسانه‌ای که با بودجه عمومی اداره می‌شود بشنوند جان و سرزمین‌شان در سلسله‌مراتب اولویت‌ها پایین‌تر از نقطه‌ای بیرون از مرزهای کشور قرار دارد؟ استدلال مداخلان سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی همواره این بود که ایران با حمایت از حزب‌الله و دیگر نیروهای هم‌پیمان خود، تهدید را صدها یا هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای ایران مهار می‌کند تا جنگ به تهران، خوزستان، هرمزگان و بوشهر نرسد. به زبان ساده، منطق اعلامی این بود: «آن‌جا می‌جنگیم تا مجبور نباشیم اینجا بجنگیم»

این اولین بار نیست که بخشی از خروجی صداو سیما در ماه‌های اخیر به جای کاهش شکاف‌های اجتماعی، به تشدید آنها کمک کرده است.

در شرایطی که هر ساعت ادامه جنگ می‌توانست به معنای کشته‌شدن شهروندان یا تخریب زیرساخت‌های بیشتری باشد، بخشی از آنتن تلویزیون به جای پرسش از هزینه ادامه درگیری، عملاً به تریبون منتقدان توافقی و فحاشی به مذاکره کنندگان تبدیل شده است. صدا و سیما یک بار مصاحبه قالیباف و بار دیگر سخنرانی رئیس جمهور را قطع کرده تا مانع از شکل‌گیری یک گفت‌وگو درباره توافق و پایان جنگ شود.

حالا تنها چند ماه بعد، بار دیگر بخشی از آنتن تلویزیون بیرون آمده که مستقیم با جان و رنج مردم درگیر جنگ سروکار دارد. مشکل اصلی این ادبیات فقط حساسیت ملی‌گرایانه نیست. مردم ایران اکنون تماشایگر جنگی در هزار کیلومتر آن‌سوتر نیستند؛ خودشان درون آن زندگی کرده‌اند.

شهروندی جنوب ایران هدف قرار گرفته‌اند، خانواده‌ها کشته و مجروح داده‌اند و اقتصاد کشور زیر فشار جنگ، تحریم و اختلال در تجارت دریایی قرار گرفته است. در چنین وضعیتی حفظ حداقلی از همبستگی اجتماعی میان جامعه و ساختار سیاسی خود کاری دشوار است.

هر جمله‌ای که این احساس را ایجاد کند که «جان ایرانی در اولویت نیست»، دقیقاً به همان شکافی نیرو می‌دهد که رسانه ملی برای آن بودجه می‌گیرد و اینجاست که جمله «جنوب ایران فدای جنوب لبنان» معنایی فراتر از یک اظهارنظر تلویزیونی پیدا می‌کند.

مهار تورم نیازمند اصلاح بودجه است

پایدار تورم نیز امکان‌پذیر نخواهد بود.دل انگیزان خاطر نشان کرد: بخش مهمی از مهار تورم را وابسته به اصلاح سیاست‌های مالی و بودجه‌ای است که باید در دستور کار قرار گیرد.وی در پاسخ به این پرسش که آیا عملکرد دولت در مجموع قابل قبول بوده است، توضیح داد: عملکرد دولت دو بعد متفاوت دارد. از یک سو، کالاهای اساسی در بازار موجود است و از این منظر کمبود گسترده‌ای مشاهده نمی‌شود، اما از سوی دیگر، قیمت‌های بالا موجب شده بخش بزرگی از کارگران، کارمندان و اقشار کم‌درآمد عملاً توان خرید این کالاها را از دست بدهند.

سیاست‌های ارزی متناسب با شرایط جنگ باشد این کارشناس اقتصادی درباره سیاست تکنرخی شدن ارز نیز گفت: در شرایط جنگی، اولویت اصلی اقتصاد نباید حرکت به سمت آزادسازی کامل بازار ارز یا تکنرخی شدن آن باشد. در اقتصاد ایران، عمده منابع ارزی از محل صادرات نفت، پتروشیمی، فولاد، صنایع بزرگ و شرکت‌هایی تأمین می‌شود که به نوعی وابسته به دولت یا نهادهای عمومی هستند. در چنین شرایطی، نمی‌توان از وجود یک بازار آزاد واقعی برای ارز سخن گفت. دل‌انگیزان ادامه داد: زمانی می‌توان از بازار واقعی ارز صحبت کرد که عرضه‌کنندگان و متقاضیان متنوعی در بازار حضور داشته باشند، اما در شرایط فعلی، بخش عمده ارز کشور در اختیار دولت و بانک مرکزی قرار دارد و ارز از طریق سازوکارهای توزیعی میان متقاضیان تخصیص داده می‌شود. بنابراین، آنچه امروز وجود دارد، بیشتر یک نظام توزیع ارز است تا یک بازار رقابتی؛ به همین دلیل، مفهوم بازار آزاد ارز در اقتصاد ایران، به‌ویژه در شرایط جنگی، چندان موضوعیت ندارد.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: تمام این دیدگاه‌ها مربوط به شرایط جنگی است و نباید آن را به وضعیت عادی اقتصاد تعمیم داد. در شرایط جنگ، حرکت به سمت آزادسازی کامل بازار ارز می‌تواند اقتصاد را در معرض نوسان‌های شدیدی قرار دهد و ثبات بازار را با مخاطره مواجه کند. در چنین وضعیتی، دولت باید با مداخله فعال، مدیریت منابع ارزی، بازگرداندن ارزهای صادراتی و تأمین نیازهای اساسی کشور، از ایجاد اختلال در اقتصاد جلوگیری کند.

وی درباره سیاست‌های سرمایه‌گذاری نیز اظهار داشت: در شرایط جنگی، اولویت اقتصاد ایران جذب سرمایه‌گذاری جدید نیست، بلکه باید ظرفیت‌های موجود را حفظ و فعال کرد. در کشور تعداد زیادی واحد تولیدی وجود دارد که مجوز بهره‌برداری دریافت کرده‌اند اما اکنون غیرفعال هستند. به جای آنکه منابع محدود صرف احداث کارخانه‌های جدید شود، باید موانع فعالیت همین واحدهای موجود برطرف شود تا دوباره وارد چرخه تولید شوند. این کارشناس اقتصادی در پایان خاطر‌نشان کرد: برآوردها نشان می‌دهد بیش از ۸۵ تا ۹۰ هزار واحد تولیدی دارای مجوز در کشور وجود دارد، اما تنها حدود ۵۰ هزار واحد با کمتر از آن فعال هستند. بنابراین ظرفیت بزرگی برای افزایش تولید از طریق احیای کارخانه‌های نیمه‌فعال یا تعطیل وجود دارد و دولت باید تمرکز خود را بر فعال‌سازی همین ظرفیت‌ها قرار دهد.

سند، برگ سبز و کارت سوخت موتور سیکلت هوندای احسان ۱۲۵

به شماره پلاک ۸۴۲ – ۱۲۳۲۶، سال ساخت ۱۴۰۳،

شماره موتور ۵۳۸۰۳۱۱۴۰۱۲۴N۱۰

به نام صالح ایزد پرست مفقود گردیده است.



واحد استان کرمان

اطلاعیه دانشگاه ملی مهارت استان کرمان

مدیریت دانشگاه ملی مهارت استان کرمان در نظر دارد جهت تأمین خوابگاه مورد نیاز خود، پروژه احداث خوابگاه آموزش‌شده ملی مهارت دختران سیرجان را از طریق کمک‌های خیرین و یا سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی واگذار نماید.

لذا بدین‌وسیله از کلیه متقاضیان و سرمایه‌گذاران، به‌ویژه خیرین محترم، دعوت می‌شود درخواست خود را جهت اجرای کامل طرح یادشده، از تاریخ درج اطلاعیه به مدت ۱۵ روز، به آدرس:

سیرجان-کیلومتر یک جاده سیرجان-بافت جنب دانشگاه صنعتی سیرجان، آموزش‌شده دختران (کوثر) سیرجان ارسال نمایند.

متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات تکمیلی به شماره همراه ۰۹۱۳۰۴۳۶۹۳۸ تماس حاصل نموده و یا به آدرس یادشده مراجعه نمایند.

بدیهی است انتخاب سرمایه‌گذار بر اساس توانمندی فنی، مالی و اجرایی متقاضیان انجام خواهد شد.

➡ **دانشگاه ملی مهارت استان کرمان** ⬅

